

بعید آیندگی و چند زمان نادر در گویش خانیکی

چکیده

مردم روستای تاریخی و بیلاقی خانیک از حوالی کاخک گناباد در سخن گفتن خود دقت‌های زبانی خاصی دارند. گویش این روستا به علل طبیعی و جغرافیایی، از جمله محصور بودن و عدم مهاجرپذیری، تا حد زیادی دست‌نخورده باقی‌مانده است. از ویژگی‌های منحصر به فرد گویش مردم روستای خانیک رواج زمانی خاص است که در زبان فارسی معیار از آغاز فارسی دری تا حال وجود نداشته است. در این زمان قصد انجام کاری از گذشته وجود داشته، اما تا حال عمل آغاز نشده است و در آینده محقق خواهد شد یا به وقوع نخواهد پیوست. این زمان "بعید آیندگی" یا "گذشته درآینده" نام دارد و با زمان "گذشته آیندگی" که در برخی دستورها آمده است، تفاوت دارد. نیز برخی زمان‌ها که در فارسی معیار بی‌سابقه است، در این گویش رواج دارد و همچنین زمان‌هایی که در گذشته و در متون کهن برخی ساخت‌های آن وجود داشته، اما در خانیکی تمام ساخت‌ها رایج است، بررسی شده است. داده‌های این تحقیق از طریق مصاحبه با گویشوران کهن سال و بی‌سواد خانیک ضبط شده و پس از نوشتن چند مقاله در مورد فعل‌ها و شناسه‌ها در گویش خانیک و مقایسه با متون تاریخی و دستوری، ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بعید آیندگی (گذشته درآینده)، زمان‌های نادر یا فراموش شده، گویش خانیکی و فارسی معیار.

۱. مقدمه^۱

مردم روستای خانیک در سخن‌گفتن خود از دقت‌های زبانی شگفتی برخوردارند. در گویش این مردم زمان‌ها و فعل‌های خاصی^۲ رواج دارد که برخی از این زمان‌ها در طی حدود ۱۲۰۰ سال که از عمر زبان فارسی دری می‌گذرد در هیچ متن فارسی رؤیت نشده و از برخی زمان‌ها نیز اگر فعلی گزارش شده، از یکی دو ساخت تجاوز نمی‌کند که آن هم در متون کهن آمده است؛ در حالی که در گویش خانیکی هنوز نه فقط در بین کهن‌سالان بلکه در میان جوانان گویشور و مقیم روستا تمام ساخت‌های این زمان‌ها به کار می‌رود. زمانی در گویش رایج است که در فارسی معیار وجود نداشته است. این زمان به نام «بعید آیدگی یا گذشته در آینده^۳» نام‌گذاری شده است. مثالی از زمان بعید آیدگی:

[ma:yesta-t-boda-bo-be-xar-i] (می‌خواسته بوده بودی بخری)

ma:yesta	ماده نقلی از مصدر (مایستا)
t	شناسه فاعلی (دوم شخص مفرد)
boda	ماده نقلی از مصدر (بودن)
bo	ستاک از مصدر "بودن" که در برخی ساخت‌ها به صورت «بُد»/«بود» ظاهر می‌شود.
be	پیشوند فعلی
xar	بن فعلی از مصدر (خریدن)
i	شناسه فاعلی دوم شخص مفرد

۱ نشانه‌های آواشناسی معادل‌سازی شده، عبارتند از: (جهت استفاده ادبا، آوانگاری معمول به کار گرفته شد).
 a=ا؛ e=ئ؛ o=و؛ â=آ؛ u=او؛ i=ای؛ ū=اوی کشیده؛ b=ب؛ p=پ؛ t=ت/ط؛ j=ج؛ ç=چ؛ h=ح/ه؛ x=خ؛
 d=د؛ z=ذ/ز/ض/ظ؛ s=س/ص؛ š=ش؛ q=غ/ق؛ k=ک؛ g=گ؛ l=ل؛ m=م؛ n=ن؛ v=و؛ y=ی.
 = دو نقطه نشانه امتداد و کشیدگی صدا.

a: =ا، نشان صدایی کشیده‌تر از فتحه [a] و کوتاه‌تر از آ [â] است به گونه‌ای که دهان کامل باز نمی‌شود. مثل: مأیّم (می‌خواهم) کشیده‌تر از «مِیم» و کوتاه‌تر از «مایل» است.
 á=آ، نشان صدایی کشیده‌تر از الف [a] و کوتاه‌تر از (آ) [â] است. مثل: أهُم [áhom] (هستم)، در مقابلِ أهُم [ahom] یا «است» [ast].

۲ این مقاله بر گرفته از طرح پژوهشی است که در دانشگاه فردوسی مشهد انجام شده است.

۳ نام این زمان را «گذشته در آینده» گذاشته بودم، همکار ارجمند جناب آقای دکتر یاحقی نام «بعید آیدگی» را پیشنهاد کردند.

به آوردن چند مثال و شش ساخت آن، بسنده می شود:

[hayf- šu/be-posside-y/ Iy/ sowzi-hâ/ ču/ čeni?/ ma:yesta-ma-boda-bo-be-paze-me[

(این سبزی‌ها چرا چنین شده؟ می خواسته بوده بودیم بپزیم این‌ها را، حیف شد پوسیده است).

دوساخت از بعید آیدگی:

می خواسته بوده بودم وزن کنم‌اش	ma:yesta-m-boda-bo-var-kašom-e
می خواسته بوده بودی وزن کنی‌اش	ma:yesta-t-boda-bo-varkaš-i-ye

بعید آیدگی با فعل‌های کمکی ساخته شده از مصدر [ma:yesta:] (خواستن) صرف می - شود. این مصدر به دو معنای (خواستن) و (دوست داشتن) در خانیک و دیگر نقاط خراسان به کار می‌رود. در مورد زمان خاصی که از آن به «بعید آیدگی» نام بردیم، فعل‌های مصدر مذکور به معنای (خواستن) به کار می‌رود.

این زمان با «آینده در گذشته» یا «گذشته آیدگی» فرق دارد. چنان که در توضیح «آینده در گذشته» آمده است:

«در قدیم ضمن بحث از فعل یا فعل‌های ماضی، اگر می‌خواستند سخن از وقوع فعلی دیگر به میان آرند که آن فعل در هنگام وقوع فعل یا افعال دیگر هنوز واقع نشده بوده، ولی در آینده نزدیکی انجام گرفتنی و از این رو نسبت به زمان فعل یا فعل‌های دیگر، مؤخر و مستقبل بوده است، ساخت ویژه‌ای از فعل اصلی به کمک ماضی ساده یا ماضی استمراری فعل معین «خواستن» به کار می‌برده‌اند» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۲۲۸).

۱. فعل‌های «آینده در گذشته» به دو صورت در متون کهن دیده می‌شود:

«۱. ماضی ساده فعل «خواستن» + بن ماضی یا مصدر فعل اصلی (آینده در گذشته ساده):

خواستم رفت، خواستی رفت، خواست رفت. یا خواستم رفتن ...

۲. ماضی استمراری یایی «خواستن» + بن ماضی + فعل پیرو (آینده در گذشته استمراری): خواستمی رفت ...» (همان).

طرز ساخت و کاربرد «آینده در گذشته» با «بعید آیندگی» تفاوت دارد. در گویش خانیکی علاوه بر بعید آیندگی زمان‌های دیگری هم رایج است، در حالی که در فارسی یا متداول نبوده است و یا اگر بوده، چند شخص آن بیشتر به کار برده نشده است. مانند ماضی ابعید یا بعید نقلی و ماضی ابعید مستمر که در حدود دو شخص آن در برخی متن‌های کهن به کار رفته است. فعل ماضی ابعید «در قرن‌های ۴ و ۵ تا ۶ بیشتر متداول بوده، پس از آن ظاهراً به علت درازآهنگ بودن آن متروک شده است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۴۶۰) گرچه در قرن ۱۴ برخی بزرگان ادب آن را به کار برده اند (همان) که همچون متون کهن، غالباً سوم شخص آن است، مانند این عبارت: «عدۀ متصوفان، زاید بر چهار هزار نفر رسیده بوده است» (همایی، ۱۳۶۲: ۸)، در صورتی که امروزه تمام ساخت‌های ماضی ابعید در گویش خانیک رواج دارد و زمان‌های دیگری که در متن بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

معرفی خانیک

روستای بیلاقی خانیک از توابع بخش کاخک در شهرستان گناباد خراسان رضوی است که روی ارتفاعات سیاه‌کوه قرار دارد. بلندی سیاه‌کوه در کوه‌های خانیک قریب به ۲۸۱۴ متر و ارتفاع روستا از سطح دریا در قسمت‌های مختلف حدود ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ متر است. طول جغرافیایی خانیک ۵۸/۳۳ و عرض جغرافیایی آن ۳۴/۰۸ است (پاپلی، ۱۳۶۷: ۲۱۹). روستا مربوط به دوران چهارم زمین‌شناسی است (حجازی، ۱۳۸۲: ۱۵). در قسمت جنوبی خانیک، در دامنه جنوبی کوه‌های خانیک، روستاهای شهرستان فردوس قرار دارد. از سمت شرق بعد از روستاهای کارشک و ایدو، بخش کاخک و در مغرب و شمال غربی بعد از روستاهای کوه‌قلعه و زو (صالح‌آباد) و میمند، روستاهای کلات و زیبد و سنو قرار می‌گیرند. در شمال آن، روستای دیسغان است. تنها راه عبور و مرور و ماشین‌رو و آسفالت روستا از دیسغان می‌گذرد. از خانیک تا جاده کلات به کاخک، شش کیلومتر فاصله است و فاصله خانیک تا کاخک حدود ده کیلومتر و تا شهرستان گناباد حدود سی کیلومتر است. منازل روستا، بعد از

پیروزی انقلاب اسلامی، دارای آب، برق، تلفن و گاز شده است، نیز جاده آن آسفالت شده و مسیر بیشتر قنات‌ها، ماشین‌رو است. خانیک ۲۸ قنات و بیش از ۱۱ چشمه دائمی با اشجار و اراضی دارد؛ اگرچه در اثر خشک‌سالی‌های بی‌سابقه دهه اخیر برخی از این‌ها خشک شده است. جمعیت روستا در گذشته ۱۰۷۱ تن بوده است (دهخدا، لغت‌نامه، ذیل: خانیک). پس از خشک‌سالی‌های متمادی و نیز به دلیل مهاجرت مردم به شهرها، این جمعیت به کمتر از یک سوم تقلیل یافته است و ظاهراً روز به روز رو به کاهش دارد. در آماري که نگارنده در اسفند ماه ۱۳۹۲ از وبگاه فرمانداری گناباد استخراج کرد، جمعیت خانیک ۳۵۰ نفر و ۱۶۹ خانوار درج شده بود. اما طبق آماري که در سایت آمار ایران از آمار روستاها وجود دارد و در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۹ اخذ شد، جمعیت خانیک ۲۵۹ نفر و تعداد خانوار آن ۱۳۸ گزارش شده است. البته جمعیت روستا در فصول مختلف متغیر است. بیشتر مهاجران خانیکی در شهرهای بزرگ از جمله تهران و مشهد مقیم‌اند. به علاوه عده‌ای از روستاییان قدیم که اکنون مقیم شهرها هستند، در تابستان و دهه اول محرم و عید نوروز به روستا برمی‌گردند. در سال‌های اخیر به خاطر خشک‌سالی مناطق اطراف و خوش آب‌وهوا بودن خانیک، در بهار و تابستان از گناباد و روستاها و شهرهای دیگر مسافران بسیاری روزها به روستا می‌آیند، برای استفاده از آب خنک و شیرین و هوای معتدل و مطبوع آن.

پیشینه

گویش خانیکی تقریباً از گویش‌های کمتر شناخته شده زبان فارسی است. در چند سال پیش در یک مقاله معنای برخی لغات تاریخ بیهقی با توجه به گویش خانیکی تصحیح شد (اختیاری: ۱۳۸۸) و در نوشته‌ای دیگر یک فعل نادر که ریشه در زبان سنسکریت و فارسی باستان دارد، اما در گویش خانیکی رایج است نیز بررسی گردید (اختیاری: ۱۳۹۱). در کتاب *واژه‌نامه گویش خانیک لغات و تعبیرات رایج در روستای خانیک جمع‌آوری و شرح شده است* (اختیاری، ۱۳۹۳). اما در مورد معرفی زمان‌ها، به خصوص بعید آیدگی و دیگر زمان‌های خاص این گویش خانیک تحقیقی انجام نگرفته است.

روش کار

چند سالی است نگارنده به تحقیق در مورد گویش خانیک مشغول است. پس از مدت‌ها مصاحبه و گفتگو با گویشوران کهن‌سال و غالباً بی‌سواد این روستا نتایج تحقیقات به صورت چند مقاله ارائه شد. در حین نوشتن مقالاتی در صرف برخی فعل‌های نادر و شناسه‌ها در گویش خانیک، چند زمان در این گویش دیده شد که در فارسی معیار یا نادر و کم‌استعمال است یا وجود ندارد. در حین کار این زمان‌ها در پوشه‌ای جداگانه نوشته می‌شد و پس از اتمام آن‌ها، زمان‌های نادر و کمیاب اینک معرفی می‌شود.

۲. گذشته در آینده یا بعید آیندگی

۲.۱. بعید آیندگی یا گذشته در آینده زمانی است که در آن از گذشته و گاهی از گذشته خیلی دور، قصد انجام کاری وجود داشته است، اما تا کنون انجام نشده و در آینده یا حال به آن هدف عمل خواهد شد یا انجام نخواهد گرفت. این زمان در فارسی معیار وجود ندارد و در متون گذشته هم دیده نشد.

ساختمان بعید آیندگی: ماضی نقلی استمراری از مصدر گویشی «مآیستأ» (خواستن) + ماده نقلی گویشی بُده (بوده) + سوم شخص مفرد ماضی مصدر بودن به صورت «ب» + مضارع التزامی از مصدر مورد نظر.

چهار فعل در ساخت این زمان توأم با هم به کار می‌رود، فعل چهارم است که انجام شدن یا نشدن آن را نشان خواهد داد.

با آوردن چند مثال از گفتار گویشوران خانیکی به تبیین آن پرداخته می‌شود:

۱. [ma:yesta-m-boda-bo-bor-om] (می‌خواسته بوده بودم بروم).

۲.

Var/ koja/ mar-a/ haje /muna?-

ma:yesta-m-boda-bo-bor-om/ var/ kešmun xalqaløč/, haje mahamad/ da/ i:runi/ h-a/, payqome-š /da:da/bare-š/ čâš /be-bar-om/. ma-r-om/ var/ i:runi.

- («حاجیه بمانه به کجا می‌روید؟»)

- «می‌خواسته بوده بودم بروم به کشتزار خلقوچ، حاج‌محمد در ایرونی است، پیغام فرستاده برایش نهار ببرم، می‌روم به ایرونی».

یا:

۳.

- [č̣u:/ čeni/ eštow/ dar-a/ šomâhâ?]

- **ma:yesta-ma-boda-bo-beyo:y-em/** var/ xalqaløč/, haje roqeya/ bumada-bo/ var sera/ ma, hâla/meyay-em. [

(چرا این‌گونه عجله دارید شماها؟ می‌خواسته بوده بودیم بیاییم به (کشتزار) خلقوچ، حاجیه‌رقیه آمده بود به منزل ما، حالا می‌آییم).

۴.

[č̣an/ vaxt/ as/ ma:sta-m-boda-bo-var-gu:y-om/, hâla/ mam-var-gu:y-om.]

(چند وقت است می‌خواسته بوده بودم بگویم، حالا می‌خواهم بگویم).

۵. [ma:sta-ta-boda-bo-ber-a/, čegar-ta/ ke?]

(می‌خواسته بوده بودید بروید، چه کار کردید/ چه تصمیمی گرفتید؟ آیا قصد رفتن

دارید؟).

۶. [ma:sta-m-boda-bo/ yag/morqa/r/var/nešuno-m]

(می‌خواسته بوده بودم یک مرغی را کرچ کنم (تا روی تخم مرغ‌ها بخوابد، اما تا کنون

انجام نشده است).

نمونه دیگر

۷.

[Iy/ kondε-hâ-/ ma:yesta-boda-bo-beškan-om/, gâz-om/ nadida/bo/,va-di-oumad-e, emrøz/ mam-beškan-om.]^(۱)

(این کُنده‌ها را می‌خواسته بوده بودم بشکنم، گاز^(۲) را ندیده بودم، پیدا شده؛ امروز می‌خواهم کنده‌ها را بشکنم).

شش ساخت بعید آیندگی از مصدر لازم [rafta:] (رفتن):

می‌خواسته بوده بودم بروم	ma:yesta-m-boda-bo-bor-om
می‌خواسته‌بوده بودی بروی	ma:yesta-t boda-bo-ber-i
می‌خواسته بوده بود برود	ma:yesta-š-boda-bo-ber-a
می‌خواسته‌بوده بودیم برویم	ma:yesta-ma-boda-bo-ber-em
می‌خواسته‌بوده بودید بروید	ma:yesta-ta-boda-bo-ber-a
می‌خواسته‌بوده بودند بروند	ma:yesta-ša-boda-bo-ber-an

ساخت‌هایی از مصدر متعدی [bafta:] (بافتن):

می‌خواسته بوده بودم بیافم	ma:yesta-m-boda-bo-bebaf-om
می‌خواسته‌بوده بودی بیافی	ma:yesta-t boda-bo-bebaf-i
می‌خواسته بوده بود بیافد	ma:yesta-š-boda-bo-bbaf-a
می‌خواسته‌بوده بودیم بیافیم	ma:yesta-ma-boda-bo-ber-em
می‌خواسته‌بوده بودید بیافید	ma:yesta-ta-boda-bo-bbaf-a
می‌خواسته‌بوده بودند بیافند	ma:yesta-ša-boda-bo-bbaf-an

ساخت‌های بعید آیندگی از پیشوندی [var dašta:] (برداشتن):

[ma:yesta-m-boda-bo-x-var-dar-om-e/, var-nam-dašt-e-ye/ da/ ow/ afti-d-ey]

(می‌خواسته بوده بودم بردارم، برش نداشته‌ام در آب خیس شده است / آب به زیرش رسیده است). در صرف فعل‌های بعید آیندگی بین فعل‌های لازم، متعدی، معلوم و پیشوندی هیچ تفاوتی دیده نشد. مجهولش کاربرد ندارد. از جهت قرار گرفتن محل شناسه در این زمان خاص، ساخت فعل‌ها در همهٔ شخص‌ها به یک صورت می‌آید. مثال‌های نقل شده از فعل‌های مختلف لازم و متعدی و پیشوندی و ساده در تبیین این زمان، گویای این نکته است.

۲.۲. گذشته التزامی استمراری

گذشته التزامی استمراری زمان خاصی است در گویش خانیک که شش ساخت آن کاملاً رایج است، اما «در کتب دستور به این ماضی اشارتی نرفته است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۵۰۲؛ همو، ۱۳۸۰: ۱۶۷). «ماضی التزامی مستمر، از گونه‌های کم‌کاربرد ماضی است که با افزودن پیش‌واژک «می» بر سر ساخت ماضی التزامی پدید می‌آید» (همان‌جا).

در تاریخ جهانگشای جوینی ساخت ماضی التزامی استمراری به کار رفته است: «از انواع اخراجات هم از ایشان ترتیب سازند و زنان و کسان ایشان که در بنه و خانه مانده باشند مؤونتی که به وقت حضور می‌داده باشند برقرار باشد» (جوینی، بی‌تا، ۱: ۲۲). نمونه دیگر از همان کتاب: «چون او در مدت دراز عمر خویش این هوس را در دماغ می‌پخته باشد و چنین فرصتی می‌جسته او را از حضرت خود مأیوس و محروم باز گردانیدن از علو همت دور می‌افتد» (همان: ۱۶۶). گذشته التزامی استمراری مثل «گذشته التزامی» صرف می‌شود، فقط به جای صفت مفعولی «مأسته»، از «مأیسته» استفاده می‌شود.

ساختمان گذشته التزامی استمراری: پیش‌واژک استمرار ساز «می» + ماده نقلی فعل مورد نظر + صرف زمان حال بودن (باش + شناسه‌های گویشی).

ساخت‌های ماضی التزامی استمراری در گویش خانیک:

می خواسته باشم	ma:yesta-m-baša
می خواسته باشی	ma:yesta-t-baša
می خواسته باشد	ma:yesta-š-baša
می خواسته باشیم	ma:yesta-ma-baša
می خواسته باشید	ma:yesta-ta-baša
می خواسته باشند	ma:yesta-ša-baša

مثال‌هایی از گذشته التزامی مستمر در گویش خانیکی:

ما را دیگر فراموش نکنید، می‌آمده باشید [mâ/r/degâ/farmôš/na-kon-]^(۲)

[a/mu-mada-baš-a

تکواژهای عبارت قبل بدین شرح است:

ما (ضمیر منفصل، اول شخص جمع) مفعول جمله.	mâ
را (حرف، نشانه مفعولی)	r
دیگر (قید) در معنای بعد از این.	dega
فراموش، جزء فعلی است در فعل مرکب (فراموش کردن)	farmøš
پیشوند منفی ساز	na
بن فعلی از (کردن)	kon
شناسه فعلی	a
می، پیش‌واژک یا پیشوند فعلی استمرار ساز	mu
آمده، ماده نقلی	mada
باش، بن مضارع	baš
شناسه فعلی دوم شخص جمع	a

[hâla/ ne/, sar/ko/vaxtek/ nu/ ma-poxta-baša-d-bebar-e]

(حالاً نه، صبر کن وقتی که نان می‌پخته باشد آن را ببر).

چنان‌که ملاحظه شد، فعل‌های گذشته التزامی استمراری در گویش مردم خانیک هنوز پرکاربرد است.

۲.۳. ماضی ابعداً یا پیشین نقلی

ماضی ابعداً یا گذشته دور، نوعی ماضی نقلی پیشین است که «گاهی بسیار نادر» (خانلری، ۱۳۶۶، ۲: ۲۶۹) در نوشته‌های متن‌های اولیه زبان فارسی به کار رفته است. در توضیح آن آمده است: «انجام گرفتن کاری یا بودن امری را در گذشته دور یا دورتر می‌رساند ... گوینده یا نویسنده، معمولاً از وقوع فعل به طریق نقل قول خبر می‌دهد» (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۴۵۹). دریافت شادروان دکتر خانلری در مورد استفاده این زمان چنین است: «در بیان امری است که پیش از زمان معینی از گذشته واقع شده و تا آن زمان دوام داشته است (متفاوت با ماضی نقلی

که دوام فعل به زمان حال می‌رسد، و متفاوت با ماضی پیشین که دوام آن در زمان وقوع ماضی تام قطع می‌شود).

مثالی از تاریخ جهانگشای جوینی: «قاآن فرمودست که مرواریدی که مُعدست بیارند دوازده طبله مروارید بهشتاد هزار دینار خریده بودست آوردند» (جوینی، ج. ۱، بی تا: ۱۸۰). در نثر معاصر به تقلید از گذشته یا برای بازنویسی متنی و سخن گفتن در مورد متون و داستان‌های گذشته هم گاهی از این ساخت‌های فعل استفاده می‌شود (خانلری، ۱۳۶۶، ۲: ۲۷۰).

معمولاً سوم شخص این ماضی در فارسی معیار به کار رفته است، در حالی که تمام ساخت‌های آن در گویش خانیک پرکاربرد است.

ساخت ماضی ابعاد: ب (در صورتی که فعل پیشوندی باشد، بدون ب) + ماضی نقلی فعل مورد نظر + ماده نقلی (بودن) به صورت «بُده».

نمونه‌ای از صرف ساخت‌های ماضی ابعاد در گویش خانیک:

رفته بوده‌ام	پیشوند فعلی + ماده نقلی + شناسه اول شخص مفرد + ماده نقلی	be-rafta-m-boda
رفته بوده‌ای	پیشوند فعلی + ماده نقلی + شناسه دوم شخص مفرد + ماده نقلی	be-rafta-t-boda
رفته بوده‌است	پیشوند فعلی + ماده نقلی + شناسه سوم شخص مفرد + ماده نقلی	be-rafta-š-boda
رفته بوده‌ایم	پیشوند فعلی + ماده نقلی از فعل رفتن + شناسه اول شخص جمع + ماده نقلی از فعل بودن.	be-rafta-ma- boda
رفته بوده‌اید	پیشوند + ماده نقلی + شناسه دوم شخص جمع + ماده نقلی	be-rafta-ta-boda
رفته بوده‌اند	پیشوند + ماده نقلی + شناسه سوم شخص جمع + ماده نقلی	be-rafta-ša-boda

۲. ۴. ماضی ابعداستمراری

ماضی ابعداستمراری از زمان‌هایی است که در فارسی معیار کم‌کاربرد بوده است، در حالی که در بین مردم خانیک رواج دارد. ماضی ابعداستمراری در گویش خانیک با پیش-واژک «م» + فعل ماضی ابعدا ساخته می‌شود.

«از میان دهها هزار شاهدهی که از متون کهن پارسی برگه‌برداری شده، تنها دو شاهد برای این فعل پیدا شده است» (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۱۵۷). در کتاب *دستور زبان فارسی فعل یک* نمونه یا شاهد برای ماضی ابعداستمراری نقل کرده‌اند (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۱۵۷) که به نظر می‌رسد از نظر معنا ماضی ابعداستمراری است و نه از جهت ساخت آن:

«خدای گفت چند روزگار بدستی اینجا؟ عزیز گفت بدستم یک روز یا برخی از روزی. گفت نه چنین است. صد سال اینجا فرو مرده بدستی» (شُنقشی، ۱۳۵۵: ۵۴).

ساخت‌های ماضی ابعداستمراری از مصدر (رفتن) در گویش مردم خانیک چنین است:

می‌رفته بوده‌ام	ma-rafta-m-boda
می‌رفته بوده‌ای	ma-rafta-t-boda
می‌رفته بوده است	ma-rafta-š-boda
می‌رفته بوده‌ایم	ma-rafta-ma-boda
می‌رفته بوده‌اید	ma-rafta-ta-boda
می‌رفته بوده‌اند	ma-rafta-ša-boda

مثالی از این نوع ساخت در داخل جمله ارائه می‌شود:

Ou/ sâlâ/ k/ vr/u:- jâ- ša/ ow/ ma-borda-boda/ deraxt-e-yeš /var/ hozur/ bo/, hâla/x nesp-eš/ xoš/ šuda.

(آن سال‌ها که به آنجا آب می‌برده بوده‌اند، درخت‌هایش شاد و سرحال بود، اما حالا

نصفش خشک شده است).

۲.۵. ماضی ابعده دورتر

«ماضی ابعده دورتر» که در گویش خانیک رایج است، زمانی را نشان می‌دهد که در گذشته دور عملی انجام گرفته است و اکنون از انجام آن عمل، سخن گفته می‌شود. از نظر کاربرد می‌تواند مانند گذشته ابعده باشد، اما در این زمان گذشته دورتری منظور است یا قبل از انجام عملی در گذشته. به همین دلیل نامش را «ابعده دورتر» گذاشته‌ام. این زمان در فارسی معیار و کهن نیست.

ساختمان ابعده دورتر در گویش خانیک: ماضی نقلی فعل مورد نظر + ماده نقلی فعل بودن + بن ماضی گویشی فعل بودن که به شکل «ب» ظاهر می‌شود.

مانند:

آمده بوده بودم	bumada-m-boda-bo
آمده بوده بودی	bumada-t-boda-bo
آمده بوده بود	bumada-š-boda-bo
آمده بوده بودیم	bumada-ma-boda-bo
آمده بوده بودید	bumada-ta-boda-bo
آمده بوده بودند	bumada-ša-boda-bo

[Ou/ sâlâ- ša/ bar/ doxtar/ ali- ma/ var-gofta-boda-bo/ ambâ/ pedar-eš/ razi- našuda bo-]

(آن سال‌ها یا سال‌های خیلی دور برای دختر علی ما گفته بودند/ خواستگاری کرده بوده-

اند/ اما پدرش راضی نشد).

[šomâ/ k/ maga/ jeqet-om-ke/ jøvâb-et-vanadâ/, ou/ mowq/ va-rgardid-am-boda-bo],

عبارت مذکور از نظر تغییر جایگاه شناسه به این شکل هم گفته می‌شود:

[šomâ/ k/ maga/ jeqet-om-ke/ jøvâb-et-va-nadâ/, ou/ møwq-am/ vargardida- boda- bo],

(شما که می‌گویید صدایت زدم جواب ندادی، آن موقع برگشته بوده بودم).

یا این فعل‌ها:

[be-rafta-m-boda-bo] (رفته بوده بودم).

[berafta-ta-boda-bo] (رفته بوده بودی).

[berafta-š-boda-bo] (رفته بوده بود).

با مثالی دیگر معنای این زمان واضح‌تر بیان می‌شود:

قرار است با راننده خودروی که هر روز صبح مسافران روستا را به گناباد می‌برد، چیزی به گناباد بفرستند. کسی به محل حرکت سرویس می‌رود و بسته‌ای را با خود می‌برد. وقتی برگشت در منزل می‌پرسند:

[čegar/ šu?/ zude-t-vargard-i] –

(چی شد؟ زود برگشتی؟) و پاسخ می‌شنوند:

[be-rafta-š boda-bo/, be-n-am- rasi] – (رفته بوده بود، نرسیدم).

۶.۲. آینده استمراری

آینده استمراری در گویش خانیک مثل آینده ساده در فارسی معیار ساخته می‌شود با این تفاوت که «م» [ma] پیشوند استمرارسازِ گویشی بر سر فعل کمکی (خواستن) می‌آید. فرق این زمان با آینده ساده در این است که امتداد و استمرار را می‌رساند. این ساخت گونه نادری است که در فارسی معیار وجود ندارد. در گذشته زبان فارسی هم ظاهراً تنها یک مثال برای آن یافت شده است (احمدی گیوی، ۱۳۸۴: ۲۰۸).

محمد بن منور در *اسرارالتوحید* آورده است:

«این حدیث می‌خواهد بود تا قیامت» (محمد بن منور، ۱۳۶۶: ۳۳۷).

ساختمان آینده استمراری: پیش‌واژک گویشی استمرارساز «م» + مضارع فعل خواستن + شناسه‌های گویشی + بن ماضی گویشی فعل مورد نظر.

شش ساخت از آینده استمراری در گویش خانیک از مصدر گویشی «ماستا»

[ma:yesta:]

می خواهم خواست	ma:-xa:h-om-ma:yes:
می خواهی خواست	ma:-xa:h-i-ma:yes
می خواهد خواست	ma:-xa:h-ad-ma:yes
می خواهیم خواست	ma:-xa:h-em-ma:yes:
می خواهید خواست	ma:-xa:h-a-ma:yes
می خواهند خواست	ma:-xa:h-an-ma:yes

در زمان آینده استمراری کاری به کرات انجام خواهد گرفت.

نمونه‌هایی دیگر از فعل‌های آینده استمراری:

۲. ۶. ۱. [ma-xa:h-i-xârd-e] (در آینده کم کم و به مراحل مختلف آن را خواهی

خورد).

گاهی هم برای منصرف کردن کسی از انجام عملی و عمل به آن را به آینده موکول کردن،

ساختی نظیر آنچه در پی می‌آید به کار می‌رود:

[da-bare-t/ma:-xa:h-i-kerd-e] (می‌خواهی پوشید)؛ در آینده آن را خواهی پوشید.

[dêr/na:-ma-šâ/ var-ma-xah-a-zad-e] (دیر نمی‌شود، کم کم آن را (می‌خواهید

چید / خواهید چید).

نمونه‌ای دیگر:

می خواهم رفت (در آینده به کرات خواهم رفت)	ma:-xa:h-om-raf
می خواهی رفت (در آینده به کرات خواهی رفت)	ma:-xa:h-i-raf

۲. ۶. ۲

[Enahllah/ šomâ/ vaxte/ k/ be-yoy-a/ var/hamsayagi/ mâ/, bêštar/ ma:-xa:h-em-raf].

(ان شا الله وقتی شما که به همسایگی ما نقل مکان کردید، با هم بیشتر و به کرات به آن-جا می‌خواهیم رفت).

۱.۷. امر مستمر

از نظر معنا همان فعل امر است، اما تداوم دارد و از نظر ساخت نظیر فعل امر است، با این تفاوت که پیش‌واژک استمرار ساز گویشی «م» بر سر آن می‌آید و تکیه کلام گویشی «ب» نیز در آخر فعل قرار می‌گیرد.

زمان امر با کاربرد امری و مستمر، عملی خاص را در گویش خانیک نشان می‌دهد که ظاهراً در فارسی معیار وجود ندارد. برای مثال: [marøv-ba] (می‌رو) (برو کم کم و پیوسته). تا حدودی همان معنای «برو»، فعل امر اول شخص مفرد، را دارد، اما ساخت و کاربرد آن در گویش خانیک با فعل «برو» تفاوت دارد. وقتی می‌گوییم «برو» فرمان رفتن بدون هیچ قیدی داده می‌شود، اما وقتی در گویش خانیک گفته می‌شود [marøv-ba] «می‌رو». در این جا فقط رفتن نیست، بلکه رفتن همراه با تداوم و نوعی انتظار را می‌رساند.

ساختمان امر مستمر در گویش مردم خانیک: پیش‌واژک «م» استمرار ساز + ماده مضارع فعل مورد نظر (ساخت مناسب امر مفرد یا جمع) + علامت مخصوص شناسه گویشی + «ب» گویشی.

[tø/ marøv-ba/, mo/ xâ/r/ be/ tø/ xom-rason],

(تو می‌رو [تو کم کم و با تانی و نه با عجله برو] من خود را به تو خواهیم رساند).

و جمع آن [mar a ba] (می‌روید به معنای بروید):

[šomâ/ mar-a-ba/ mâ/ bad/ bex-am-ma:]

(شما بروید به آهستگی، ما بعد (بلافاصله بعد از شما) خواهیم آمد یا فعلاً شما بروید ما

بعد خواهیم آمد).

برای مقایسه تفاوت آن با امر عادی یک مثال آورده می‌شود: «بر» [ber-a] (برو).

[ber-a/xalh/ var/sera-ta/ k/ma:dar-et/ čarx-et-ma-xah-a-za]

(برو خاله به منزلتان که مادرت به دنبالت می‌خواهد گشت).

تکواژهای عبارت پیشین:

ber	بر: بن فعلی از مصدر رفتن (که با شناسه فتحه، فعل امر می‌سازد).
a	ـَ شناسه دوم شخص فعل امر.
xale	خاله: اسم. در اینجا «دختر خواهر» منظور است. بدل از «تو» محذوف که در شناسه فعل امر ظاهر شده (بدل از مبدل منه محذوف).
var	ور: حرف اضافه در معنای «به»
serâ	سرا/ منزل: اسم مکان. متمم قیدی.
ta	ت (تان): ضمیر شخصی متصل، دوم شخص جمع.
k	که: حرف ربط.
ma:dar	مادر: اسم. فاعل برای فعل «چرخ می‌خواهد زد» (دنبالت می‌خواهد گشت)
et	ـ ت. ضمیر متصل، دوم شخص مفرد.
čarx	اسم: قسمت اول فعل مرکب «چرخ زدن» به معنای به دنبال کسی یا چیزی گشتن.
et	ـ ت: ضمیر متصل، دوم شخص مفرد.
ma	م: پیش‌واژک استمراری
xah	خا: بن فعلی از مصدر خواستن
a	ـَ شناسه دوم شخص مفرد.
z	ز: بن فعلی از (زدن).
a	شناسه سوم شخص مفرد، در نقش فاعلی.

«خاله به منزلتان برو» جمله پایه، «که مادرت دنبالت می‌خواهد گشت» جمله پیرو است.

از فعل امر مستمر، اول شخص و دوم شخص آن رایج است.

نتیجه‌گیری

مردم روستای خانیک، از حوالی بخش کاخک گناباد، در سخن گفتن خود علاوه بر زمان-های رایج در فارسی معیار از زمان‌های دیگری نیز استفاده می‌کنند که نشانگر دقت‌های زبانی

این مردم است. برخی از زمان‌های نادر که در گویش مردم خانیک رایج است، در زبان فارسی بی‌سابقه یا کم استعمال است، از جمله آن‌ها بعید آیدگی است. در ساخت‌های این زمان، قصد انجام عملی از گذشته وجود داشته، اما هنوز تحقق پیدا نکرده است، نام این زمان «بعید آیدگی» گذاشته شد. ساخت‌هایی از زمانی که از ابعاد دورتر است هم، در گویش خانیک رایج است. این چند زمان نادر در فارسی معیار دیده نشده است. نیز دو زمان کم‌کاربرد یا مهجور که به ندرت در یکی دو متن کهن به کار رفته یا اصلاً مسبوق به سابقه نیست، در این گویش رواج کامل دارد. مثل ماضی ابعداستمرای و ماضی التزامی استمراری. فعل امر هم در گویش خانیک علاوه بر امر ساده و عادی، حالت استمراری به خود می‌گیرد و در جایی که منظور ادامه و استمرار فعل امر باشد، به کار می‌رود.

یادداشت‌ها

(۱) کاربرد این کسره شبیه گویش کاخک است و «بعد از افعال متعدی ظاهر می‌شود» (شریفی، ۱۳۹۰: ۷).

(۲) گاز: میخ‌مانند بزرگی که لای کنده‌ها برای شکسته شدن می‌گذارند.

(۳) تفاوت شناسه‌های ماضی و مضارع در گویش خانیک با عنوان «شناسه و نوسانات آن در گویش خانیک» در مقاله دیگری بررسی شده که در حال داوری است. در فعل‌های زمان گذشته گویش خانیکی شناسه جابه‌جا می‌شود و به عناصر مختلف جمله می‌چسبد و مثل گویش کاخکی حالت ارگتیو ناقص دارد (همان: ۳).

(۴) در ساخت‌های مختلف بین «مأستاً» و «مأیستاً» نیز «مأست» و «مأیست» تفاوت صددرصد معناداری درنیافتیم، گرچه بی‌معنا هم نیست و «مأیستاً» زمانی دورتر یا قدیمی‌تر را نشان می‌دهد و یا شاید اشخاص مسن‌تر از شکل «مأیستاً» بیشتر استفاده می‌کنند، یعنی تفاوت در کاربرد، به سبب تفاوت در طبقات اجتماعی باشد که در هر صورت از این جهت، نیاز به بررسی بیشتری دارد.

کتابنامه

- احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۴). دستور زبان فارسی فعل، تهران: نشر قطره.
 احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۰). دستور تاریخی فعل، ج. ۱، تهران: نشر قطره.

اختیاری، زهرا. «توصیف مصدر آه /âh/ در گویش خانیک و مقایسه با چند گویش دیگر»، مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، سال چهارم، شماره ۱، شماره پیاپی ششم، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۵۰-۲۹.

اختیاری، زهرا. (۱۳۹۳). *واژه‌نامه گویش خانیک*، مشهد: محقق.

اختیاری، زهرا. «واکاوی چند واژه از تاریخ بیهقی» *زبان و ادب فارسی*، نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز، شماره ۲۰۹، دوره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۸۸.

تفسیر ششمی. (۱۳۵۵). *تصحیح محمدجعفر یاحقی*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جوینی، عطاملک. (بی تا). *تاریخ جهانگشای*، بی جا: بامداد.

شریفی، شهلا. «برسی برخی نکات ساختوازی در مورد واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کاخکی»، *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، سال سوم، شماره ۲، شماره پیاپی پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰: ۱۵-۱.

محمد بن منور. (۱۳۶۶). *اسرارالتوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، مصحح محمدرضا شفیعی کدکنی، ج ۲، تهران: آگاه.

همایی، جلال‌الدین. (۱۳۶۲). *تصوف در اسلام*، تهران: هما.